

شکایت رسمی ایران از آمریکا

شکایت ایران از آمریکا به لاهه رفت

امیرفیض- حقوقدان

در ادامه تحریرشکایت رسمی ایران از آمریکا،^۱ امروز خبرگزاریها از قول دولت شیخ حسن اعلام کردند که <شکایت ایران از آمریکا به دادگاه لاهه داده شد>- کیهان تهران هم نوشت: <پرونده دستبرد ۲ میلیارد دلاری به لاهه رفت>

بنابراین، تحریر حاضر به دنبال شکایت ایران در دیوان دادگستری لاهه خواهد بود.



همانطور که در بخش نخست این تحریر اشاره شد؛ جمهوری اسلامی علیرغم طرح های مجلس اسلامی و سپاه که بستن تنگه هرمز و توقیف کشتی های بازرگانی آمریکا را ارائه داده بودند، دولت شیخ حسن راه مراجعه به دادگاه لاهه را انتخاب کرد و مستند شکایت خود را هم قرارداد مودت ایران و آمریکا که در سال ۱۹۵۵ منعقد شده بود معرفی کرد که در تحریر قبلی نقطه ضعف بزرگ این دعوا بتحریر رفت.

رئوس شکایت شیخ حسن

*** زیربنای شکایت یا خواسته جمهوری اسلامی <آمریکا تضمین کند که اقدامات اجرایی، قانونگذاری و قضائی که مغایر با تعهداتش طبق معاهده مودت است را انجام نخواهد داد (۱)> است

*** آمریکا نسبت به مصونیت هائی که بموجب قرارداد مودت برای اموال ایران پیش بینی شده را محترم بشمارد (۲)

*** آمریکا باید جایگاه حقوقی شرکت های ایرانی از جمله بانک های دولتی نظیربانک مرکزی را برسمیت بشناسد و نباید اقدامی علیه حقوق و اموال آنها به اجرا بگذارد (۳)

*** از سوی دیگر، براساس دادخواست جمهوری اسلامی، ایالات متحده متعهد به ارائه جبران کامل خسارات ایران ناشی از نقض تعهدات بین المللی است. ایران این حق خود را برای ارزیابی این خسارات

محفوظ میدارد (۴) ایران حق خود را برای ارزیابی این خسارت محفوظ میدارد که ممکن است در مراحل بعدی دعوا آنها را ارائه کند. (۴) ۲

افشای مبلغ رای دادگاه های آمریکا علیه ایران

برای اولین بار است که یک مقام رسمی کشور در دادخواست تقدیمی به دیوان دادگستری لاهه مبلغ احکام صادره علیه ایران را ۵۶ میلیارد دلار اعلام کرده است، درحالیکه خواسته دعوی جمهوری اسلامی در دیوان دادگستری لاهه تنها ۲ میلیارد دلار اعلام شده است. (۵)

نقد دادخواست جمهوری اسلامی

مهمترین موضوع مشخص در شکوائیه جمهوری اسلامی این است که جمهوری اسلامی برای قرارداد مودت ایران و آمریکا قائل به اعتبار و مشروعیت شده است. اکنون ببینیم که این تصور جمهوری اسلامی که بسیار مهم است بر چه مبنایی است زیرا بظاهر، قبول اعتبار برای قرارداد مودت و دوستی بین ایران و آمریکا با جریانات چندین ساله ایران و آمریکا و برعکس امری سهل و آسان بنظر نمیرسد.

حقیقت این است؛ بنظر میرسد که جمهوری اسلامی روی ضوابط حقوقی تصمیم نمیگیرد بلکه روی هوا و هوس و اعتبارات زمانی تصمیم میگیرد؛ از باب نمونه:



* در واقعه سرنگون کردن هواپیمای ایرباس ایران بوسیله

آمریکا (۱۳۶۷) جمهوری اسلامی در شکایت خود به دیوان لاهه هیچ اشاره ای به قرارداد مودت ایران و آمریکا نکرد و برعکس در قضیه حمله آمریکا به سکوهای نفتی ایران در سال ۱۹۹۶ عمل آمریکائی هارا نقض اشکار قرارداد مودت ایران و آمریکا دانست و در رای دیوان لاهه هم اشاره صریح شده است که از نظر این مرجع (دیوان) عهدنامه ۱۹۵۵ همچنان معتبر و به قوت خود باقی است

* پس از گروگان گیری کارمندان سفارت آمریکا، آمریکا به دیوان لاهه عرض شکایت کرد و دیوان به اعتبار همان قرارداد مودت، ایران را محکوم به آزادی فوری گروگان هاساخت ولی جمهوری اسلامی به حکم دیوان اعتنای نکرد و گروگان هاهمچنان علیرغم حکم دیوان آزاد نشدند؛ و طبق معمول جمهوری اسلامی رای دیوان لاهه را کاغذ پاره نامید و یکی از فقهای جمهوری اسلامی نظرداد که رای قضات غیرمسلمان برای مسلمانان لازم لاتباع نیست. (نظردرست و منطبق با فلسفه اسلامی)

۲- پرسش این است؛ پس از ده سال جنگ بصورت مذاکره و مصرف میلیون ها دلار دارایی های ایران که منجر به برجام تحمیلی شده است آیا آمریکا باز هم با ترفند ناقص گذاشتن تعهداتش جمهوری اسلامی (ایران) را درگیر دادگاه لاهه میکند تا سالهای دیگر دعوی بر سر لحاف ملا جیب مشتی وکیل و شرکت آمریکایی و اروپایی را پر پول کند و مواد تحمیلی دیگری به گرده مردم ایران سوار کند؟؟ و در این ماجرا حسن روحانی و جواد ظریف (با ظرافت) موضوع را به نفع آمریکا دنبال میکنند؟؟ ح-ک

مقوله بالا یعنی حکم آزادی گروگانها از سوی دیوان لاهه به استناد قرارداد مودت و دعوی سکوهاای نفتی نشان میدهد که در مورد دیوان لاهه، به اعتبار حقوقی آن قرارداد حکم داده است.

✳️ اکنون بار دیگر جمهوری اسلامی نسبت به قرارداد مودت احساس نیاز کرده و آنرا مستند شکایت خود از آمریکا قرارداده است. مسئله مزبور موید آن است که جمهوری اسلامی روی ضوابط عمل نمیکند بلکه موردی و موسمی عمل میکند.

ابهام در قرارداد مودت

✳️✳️ مسئله قابل توجه در این است، در مواردی که به استناد قرارداد مودت به دیوان لاهه رجوع شده است هیچیک از طرفین آمریکا و ایران به عدم اعتبار قرارداد مودت استناد نکرده اند و لاجرم دیوان هم با قبول اصالت آن قرارداد جلورفته است.

مفهوم این موقعیت حقوقی ممکن است این باشد که هرگاه در دعوی اخیر، آمریکا مسئله عدم اعتبار قرارداد مودت را مطرح کند آیا دیوان لاهه میتواند بر اساس نظریه سابق خود اعتبار قرارداد مودت را جاری و معتبر بداند و یا احراز اصالت آنرا لازم خواهد دانست؛ و با توجه به اینکه اصل کلی، رضایت طرفین دعوا در ارجاع موضوع به دیوان است، سرنوشت دعوی جمهوری اسلامی در جهت حرکت خواهد بود یا توقف؟

بنابر این مسئله اعتبار قرارداد مودت ایران و آمریکا مسئله ای حل نشده در منازعه اخیر ایران و آمریکا است و اگر دیوان به اظهار نظر سابق خود در معتبر بودن قرارداد مودت بایبند باشد میتواند وارد ماهیت دعوا بشود ولی اگر بهر علتی و از جمله اعلام بی اعتباری قرارداد مودت از سوی آمریکا، دیوان لاهه رسیدگی به اعتبار قرارداد مزبور را لازم بداند جمهوری اسلامی **در دست** انداز بزرگم، گیر خواهد کرد

نقد محتوای درخواست جمهوری اسلامی

(۱) - از آنجا که مستند دعوی جمهوری اسلامی قرارداد مودت ایران و آمریکا است، خواسته دعوا نمیتواند خارج از مفاد قرارداد مزبور باشد؛ لذا خواستن تضمین از آمریکا که مانع اقدامات اجرائی، قانونگذاری و قضائی علیه ایران بشود، زیاده خواهی از دیوان است و دیوان نمیتواند وارد این درخواست بشود مگر اینکه به استناد قسمت آخر ماده ۲۸ اساسنامه دیوان، طرفین دعوا (آمریکا و ایران) توافق کنند که دیوان بر اساس انصاف، رسیدگی و حکم دهد که چنین توافقی ضمیمه دادخواست دیده نمیشود و خارج از انتظار هم میباشد.

✳️ این بند از دادخواست طوری تنظیم شده که طرف ایرانی قرارداد مودت، تمام اصول قرارداد را محترم شمرده و این آمریکا است که خلف وعده و خارج از قرارداد مودت عمل کرده است. کتمان واقعیت هائی که به عاملیت جمهوری اسلامی علیه آمریکا روی داده و تمام مردم دنیا از آن آگاهند، سبب بی اعتباری

سایر دلایل جمهوری اسلامی هم خواهد شد. در دعوا، مدعی میتواند هرادعائی که دارد عنوان کند ولی عنوان کردن ادعاهای ضعیف و بی پایه مسلماً بر بی اعتباری کل دعوا موثر خواهد بود.

✳️ تضمینی که جمهوری اسلامی بوسیله دیوان از آمریکا خواسته و توضیحی که در مکمل آن داده متوجه آینده میشود نه گذشته <عبارت تضمین کند> ناظر بر فعل و تعهدات آینده است، نه گذشته در حالیکه دعوی جمهوری اسلامی مربوط به گذشته است نه **آینده** بنظر میرسد که خواسته دعوا باید رفع تعرض و آزاد ساختن کلیه دارائی های بلوکه شده ایران باشد نه تضمین نسبت به **آینده**.

(۲)- جمهوری اسلامی از دیوان خواسته که <آمریکا نسبت به مصونیتهایی که بموجب قرارداد مودت برای اموال ایران پیش بینی کرده را محترم بشمارد>

✳️ آیا ایران که طرف قرارداد مودت بوده است مصونیتهای اموال آمریکائیا و افراد آمریکائی (کارمندان سفارت آمریکا) که از موارد اساسی و مهم قرارداد مودت است را محترم شناخته است که چنین درخواستی از دادگاه نسبت به آمریکا دارد؟

✳️ هنگام حمله آمریکا به سکوهای نفتی ایران در سال ۱۹۹۶ جمهوری اسلامی به اعتبار همین قرارداد مودت به دادگاه لاهه شکایت کرد و اقدامات کشور آمریکا را نقض مفاد معاهده دانست و استدلال ایران چنین بود <حمله به سکوهای نفتی ایران به موضوع قرارداد مودت مربوط است. روح و موضوع قرارداد مزبور صلح و مودت بوده است بنابراین طبیعی است که حمله یکی از طرفین به تمامیت ارضی طرف دیگر با روح و موضوع قرارداد مودت مغایرت دارد.>

درست همین استدلال جمهوری اسلامی در پرونده سکوهای نفتی در دعوی اخیر جمهوری اسلامی علیه آمریکا رو در روی جمهوری اسلامی قرار خواهد گرفت.

(۳)- اینکه ایران از دیوان لاهه خواسته است که آمریکا نباید اقدامی علیه شرکت های ایرانی انجام دهد ... خواسته ای کاملاً متضاد با تصمیم قانونی مجلس اسلامی است که به دادگاههای اسلامی اجازه داده شده که علیه شرکتهای و اشخاص آمریکائی طرح دعوا و مطالبه خسارت کنند یعنی حقی راکه جمهوری اسلامی از دیوان خواسته است خودش برای شرکت ها و افراد وابسته به دولت آمریکا قائل نیست آنها هم به اعتبار قانون (نهایت بی بصیرتی در وضع قانون مزبور، زیرا علاوه بر آنکه آن قانون دارای ماهیت تلافی و نوعی قبول رای دادگاه عالی آمریکا محسوب میشود، در دعوی ایران علیه آمریکا در دیوان لاهه دست جمهوری اسلامی را در دفاع از خواسته خود، خواهد بست).

(۴) نقد ردیف ۴ به تحریر آتی موکول میشود زیرا بتوضیح بیشتری نیاز دارد.

(۵) اینکه خواسته مالی دعوی جمهوری اسلامی محدود به دو میلیارد دلار شده در حالیکه بنابر اعلام جمهوری اسلامی مبلغ مورد تجاوز آمریکا ۵۶ میلیارد دلار است امری کم سابقه بنظر میرسد زیرا همانطور که سوابق دیوان لاهه نشان میدهد دعوی مطروحه در آن دیوان

سالهای سال طول میکشد در اینصورت چرا نباید کل مطالبات ایران از آمریکا و خسارات وارده یکجا مطالبه شود؛ آیا تحدید خواسته مالی دعوا به ۲ میلیارد به این معناست که اگر آمریکا از دو میلیارد دلار ایران دست بردارد گورپدربقیه دارائی های بلوکه شده ایران؟؟

رسم است که همواره خواهان رقم خواسته را دست بالا میگرد که طرف به حداقل راضی شود. دیده نشده که خواهانی رقم خواسته را از ۵۶ میلیارد دلار به دومیلیاد تقلیل داده باشد آنهم خواهانی که کشور است یعنی دارای دیوان محاسبات و ظاهرا حساب و کتاب است.

این تحریر احساس نیاز میکند که گردشی در این راه داشته باشد که:

چرا دولت شیخ حسن به قرارداد مودت استناد کرده است

قرارداد مودت ایران و آمریکا از یادگارهای شاهنشاه ایران است و توسل جمهوری اسلامی به آن که به عبارت تکراری مقامات جمهوری اسلامی از خمینی تا دیگران دولت و شاه طاغوت بوده اند بطور مسلم خفستی تمام عیار برای جمهوری اسلامی است پس چرا جمهوری اسلامی ناچار شده که پیادگارهای زمان شاه پناه ببرد؟؟ (این موضوع به توضیح بیشتر نیاز دارد که در فرصت آتی رفع نیاز خواهد شد).

دروازه ورود به دیوان لاهه

جمهوری اسلامی برای اینکه بتواند در دائر صلاحیت دیوان دادگستری لاهه قرار گیرد ناچار است که سعی کند از دروازه اساسنامه دیوان لاهه وارد دادگاه شود.

توضیح اینکه دادگاه لاهه برخلاف دادگاه های عمومی کشورها صلاحیت عام ندارد و صلاحیتش برای ورود به دعاوی محدود و اختیاری است و این موضوع، یعنی محدودیت صلاحیت دادگاه لاهه یکی از مسائل بغرنج و مورد اختلاف کشورهای عضو سازمان ملل بوده است کشورهای ایران (ایران شاهنشاهی) در کنفرانس عمومی سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵ بسیار کوشیدند که صلاحیت دیوان لاهه از محدودیت خاص خودش خارج گردد و نسبت به دعاوی کلیه کشورهای عضو، واجد صلاحیت باشد ولی کشورهای بزرگ از جمله آمریکا و شوروی با این درخواست مخالفت کردند و در نهایت صلاحیت دادگاه لاهه اختیاری شد یعنی کشورها اختیار و حق دارند که ارجاع دعوا را به دیوان لاهه و یا مشارکت در دعوا را بپذیرند یا خیر.

بنابراین، رویه قضائی در دادگاه لاهه بر این پایه است که در سه مورد دادگاه وارد رسیدگی میشود:

نخست - اینکه طرفین قرارداد در موقع تنظیم قرارداد صلاحیت دیوان را برای رسیدگی به اختلاف و یا تفسیر قرارداد قبول کنند.

دوم- کشور خوانده دعوی با اعلام موافقت خود با ارجاع اختلاف به دادگاه لاهه برای دادگاه احراز اصالت کرده باشد.

سوم -موضوع شکایت از کشوری از طریق شورای امنیت بصورت تکلیف برای دادگاه لاهه معین واعلام گردیده باشد.

از آنجا که در قرارداد مودت ۱۹۵۵ ایران و آمریکا پیش بینی شده است که در مورد اختلاف و یا تفسیر قرارداد مزبور دیوان لاهه واجد صلاحیت خواهد بود، لذا جمهوری اسلامی ناگزیر بوده که به آرتیکل بالا متوسل شود. زیرا با اظهارات وزیر خارجه آمریکا مبنی بر اینکه «رای دیوان عالی آمریکا درتامین ۲ میلیارد دلار واجد اعتبار بوده و آمریکا از آن حمایت میکند» برای جمهوری اسلامی راهی جز تحمل سرافکندگی به دستاورد شاهنشاه ایران و توسل به قرارداد مودت باقی نمیماند

احراز صلاحیت

از آنجا که اولین اقدام هردادگاهی احراز صلاحیت خود میباشد و دیوان لاهه هم از این امر مستثنی نبوده و نیست لذا در راستای احراز صلاحیت بناچار مسئله اصالت و اعتبار قرارداد مودت ایران و آمریکا مطرح میگردد.

اگر دولت آمریکا قرارداد مودت ایران و آمریکا را جاری و ساری و واجد اعتبار حقوقی بداند برای دیوان لاهه ایجاد صلاحیت خواهد شد و دیوان میتواند نسبت به جریان افتادن دعوی جمهوری اسلامی اقدام نماید و اگر آمریکا با حیات حقوقی قرارداد مذکور مخالفت کند دعوی جمهوری اسلامی از دور صلاحیت دیوان لاهه خارج و مسئله احراز صلاحیت خودنما خواهد گشت.

مشکلات در معتبر دانستن قرارداد مودت ایران و آمریکا

در اساسنامه دیوان دادگستری موارد و شرائطی برای معتبر دانستن قراردادی که مستند ارجاع دعوا به دیوان است ذکر شده که بعقیده این تحریر هر کدام و تمامی آنها مانع است که دیوان بتواند بدون کسب موافقت طرف شکایت یعنی آمریکا اعتبار قرارداد مودت را برسمیت بشناسد.

ارکان و شرائطی که در اساسنامه دیوان آمده عبارتند از:

الف- «طرفین قرارداد (ایران و آمریکا) قواعدی را که در قرارداد پیاده شده برسمیت بشناسند»

کلمه بشناسند در بند الف ماده مزبور (۲۸) ناظر است بر زمان تسلیم دادخواست نه ۳۵ یا ۴۰ سال قبل بنظر نمیرسد که دیوان در این مورد با شک و تردیدی در عدم تحقق این شرط و رکن مواجه شود.

ب- عرف بین المللی به عنوان رویه ای کلی بصورت قانون پذیرفته شده باشد.

عرف بین المللی، قرارداد مودت ایران و آمریکا را در سال ۱۹۵۵ بصورت قانون پذیرفته است (مجلس شورای ملی هم آنرا تصویب کرده است) و رفتار ایران و آمریکا تا سال ۵۷ مطابق عرف بین المللی قابل تائید حقوق بین الملل هم بوده است ولی گمان نمیکنم که آنچه از سال ۵۷ در رابطه بین ایران و آمریکا و برعکس وجود داشته است با عرف بین المللی مطابقت داشته باشد.

ج- اصول حقوقی معمول که مقبول ملل متمدن است.

از سال ۵۷ تاکنون کوچکترین اصول حقوقی چه معمول و یا مقبول ملل متمدن نسبت به قرارداد مزبور از سوی جمهوری اسلامی جاری نبوده است و برعکس اصولی رواج داشته که صدرصدنه تنها مقبول ملل متمدن نیست بلکه محکوم و مذموم حتی ملل غیرمتمدن و عقب مانده هم هست.

اشکالات

اشکال روبروی این دعوا ازدوجت یکی از نظر حقوق سیاسی داخلی و دیگری مسئله صلاحیت دیوان لاهه میتواند مورد توجه قرارگیرد.

از نظر حقوق سیاسی داخلی اینکه:

مجلس اسلامی نسبت به طرح دولت در رجوع به دادگاه لاهه و اعتباردادن به قرارداد مودت ایران و آمریکا صدورمجوز نکرده است و طرح های مجلس که تصویب و به دولت ابلاغ شده هرچه هست از جمله مصوبه مجلس به تلافی و اقدام دادگاه های جمهوری اسلامی به مقابله به مثل با دیوان عالی آمریکاست که با طرح دولت در رجوع به لاهه مغایر است.

درست است که تکلیف احقاق حق کشور با دولت است اما در حالیکه مجلس در موضوع وارد شده و طرحی به دولت داده، دولت نمیتواند تا روشن کردن تکلیف آن طرح مجلس، سرخود اقدام به طرح دیگری نماید. بنظر میرسد اگر مسئله صلاحیت دولت جمهوری اسلامی در مراجعه به دیوان لاهه مطرح شود مسئله مزبور میتواند موردی باشد که حداقل مسیر دعوا را از حرکت متوقف سازد زیرا صلاحیتی را مجلس برای دولت در مقابله با اقدامات آمریکا قائل شده رجوع دولت روحانی به دیوان لاهه و استناد به قرارداد مودت ایران و آمریکا نیست.

از نظر مشکل احراز صلاحیت دادگاه لاهه اینکه

اگر دادگاه به اعتبار قرارداد مودت برای خود احراز صلاحیت کند این تصمیم دادگاه متضمن این معناست که قائل به رسمیت و اعتبار آن قرارداد میباشد و بخش عمده ای از انتظارات جمهوری اسلامی از آنجمله مطالبه خسارات ناشیه از تحریم ها و تضییقات اقتصادی و سیاسی در جریان قرار خواهد گرفت.

ولی اگر آمریکا قرارداد مزبور را کان لم یکن و فاقد اعتبار بداند مشکل بزرگ آنوقت بوجود میآید که دادگاه نمیتواند وارد رسیدگی به اصالت و حیات حقوقی قرارداد بشود و یا باکسب نظر موسسات حقوقی اتخاذ تصمیم کند زیرا هر نوع رسیدگی نسبت به قرارداد، قبل از احراز صلاحیت دادگاه ممکن نیست و احراز صلاحیت دادگاه هم فقط با رضایت طرفین دیوان ممکن است و این مشکل بصورت <دور> (از اصطلاحات فلسفی) نمایان میشود یعنی تصمیم نسبت به یک موردی نیاز به تصمیم قبلی نسبت به موضوعی دیگری دارد و برعکس. و دوراز مسائل و معضلاتی است که مانع تصمیم دادگاه میگردد و حکم اجماع بر بطلان آن است.

مشکل لاینحل

مشکل بزرگ ولاینحلی که دراین جریان وجود دارد این است از آنجا که احکام دیوان لاهه قطعی و لازم لاجراست در صورت خودداری هریک از طرفین دعوا، قضیه به شورای امنیت ارجاع خواهد شد و اگر دعوا بطرفیت یکی از کشورهای دارای حق وتو باشد (مانند دعوای شیخ حسن علیه آمریکا) آن رای بلا اجرا خواهد ماند یعنی باهمه کشاکش احتمالی در دیوان، اگر رای به ضرر آمریکا صادر شود و آمریکا نخواهد تسلیم آن بشود آن رای قابل اجرا نخواهد بود و قضیه میشود مانند روز قبل از طرح در عوا در دیوان لاهه.

محدوده این تحریر

اظهار نظر حقوقی در این تحریر، محدود به موقعیت جمهوری اسلامی از نظر حقوق بین الملل است و نسبت به حقوق سیاسی اصیل کشورمان که جمهوری اسلامی را غاصب و فاقد مشروعیت میداند شمولی ندارد.

ادامه دارد